

روش‌های مدیریت کلاس برای افزایش تعامل و یادگیری در مدارس

اعظم بابازاده^۱، سمیه پناهیان^۲، ژیلا نعیمی گرمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۵ مرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ شهریور ماه ۱۴۰۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش روش‌های مدیریت کلاس در افزایش تعامل و یادگیری دانش‌آموزان در مدارس انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که ۳۰۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه مدیریت کلاس مارزانو، پرسشنامه تعامل کلاسی فردریکس و همکاران و پرسشنامه انگیزش و یادگیری تحصیلی پینتریک و دی‌گروت بود. روایی ابزارها با نظر خبرگان تأیید و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (بیش از ۰/۸۱) محاسبه شد. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین روش‌های مدیریت کلاس و تعامل کلاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($t=0.62$) و تعامل کلاسی نیز به‌طور معناداری یادگیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند ($t=0.65$). همچنین، یافته‌های رگرسیون بیانگر آن بود که مؤلفه‌های مدیریت کلاس ۴۹ درصد از واریانس تعامل کلاسی و ۵۲ درصد از واریانس یادگیری دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت کلاس مؤثر، از طریق افزایش تعامل رفتاری، عاطفی و شناختی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند و توجه به آن برای بهبود فرایندهای آموزشی ضروری است.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس درس، تعامل کلاسی، یادگیری دانش‌آموزان، روش‌های آموزشی

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس آباد، ایران

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس آباد، ایران

^۳ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، گرمی، ایران

۱- مقدمه

نظام‌های آموزشی معاصر بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های پیچیده‌ای در زمینه کیفیت یادگیری، انگیزش دانش‌آموزان و اثربخشی فرایند تدریس مواجه‌اند. در این میان، کلاس درس به‌عنوان هسته اصلی فعالیت‌های آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در تحقق اهداف تربیتی ایفا می‌کند. کیفیت تعاملات درون کلاس، شیوه‌های هدایت رفتار دانش‌آموزان و نحوه سازمان‌دهی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، همگی به مفهوم گسترده‌ای تحت عنوان مدیریت کلاس درس بازمی‌گردند. مدیریت کلاس دیگر صرفاً به معنای کنترل نظم و انضباط نیست، بلکه مجموعه‌ای از راهبردهای هدفمند برای ایجاد محیطی یادگیرنده‌محور، تعاملی و حمایت‌کننده به شمار می‌رود (Emmer & Sabornie, 2015).

تحولات رویکردهای یادگیری، به‌ویژه گذار از آموزش سنتی به رویکردهای سازنده‌گرایانه و یادگیری فعال، ضرورت بازنگری در شیوه‌های مدیریت کلاس را دوچندان کرده است. در الگوهای نوین آموزشی، دانش‌آموزان نه دریافت‌کنندگان منفعل اطلاعات، بلکه مشارکت‌کنندگان فعال در ساخت دانش تلقی می‌شوند. چنین نگرشی مستلزم کلاس‌هایی است که در آن تعامل، گفت‌وگو، همکاری و مشارکت اجتماعی به‌طور مستمر جریان داشته باشد (Vygotsky, 1978). با این حال، افزایش تعامل و مشارکت بدون برخورداری معلم از مهارت‌های مؤثر مدیریت کلاس عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی کاهش انگیزش تحصیلی و افت یادگیری در مدارس، ضعف در مدیریت کلاس درس است. کلاس‌هایی که فاقد ساختار روشن، قوانین شفاف و روابط مثبت معلم-دانش‌آموز هستند، معمولاً با مشکلات رفتاری، بی‌نظمی و کاهش زمان مفید آموزشی مواجه می‌شوند (Evertson & Weinstein, 2006). در مقابل، مدیریت کلاس کارآمد می‌تواند بستر مناسبی برای افزایش تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان فراهم آورد و در نهایت به بهبود یادگیری منجر شود. تعامل در کلاس درس یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات آموزش و پرورش است که ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد. تعامل می‌تواند به شکل تعامل دانش‌آموز با معلم، تعامل دانش‌آموز با دانش‌آموز و تعامل دانش‌آموز با محتوا نمود یابد (Moore, 1989). مطالعات متعدد نشان داده‌اند که سطوح بالاتر تعامل با افزایش درک مفهومی، تفکر انتقادی و یادگیری عمیق ارتباط معناداری دارد (Fredricks et al., 2004). از این‌رو، شناسایی روش‌های مدیریت کلاسی که تعامل را تقویت می‌کنند، یکی از اولویت‌های اساسی پژوهش‌های آموزشی محسوب می‌شود.

در مدارس امروزی، تنوع ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان از نظر توانایی‌های شناختی، پیشینه فرهنگی، سبک‌های یادگیری و نیازهای عاطفی، مدیریت کلاس را به فرایندی پیچیده و چندبعدی تبدیل کرده است. معلمان ناگزیرند از رویکردهای انعطاف‌پذیر و متناسب با این تنوع استفاده کنند. پژوهش‌های جدید بر اهمیت مدیریت کلاس پیشگیرانه، روابط حمایتی و راهبردهای انگیزشی تأکید دارند (Wentzel, 2012). چنین رویکردهایی نه تنها رفتارهای نامطلوب را کاهش می‌دهند، بلکه احساس تعلق و مشارکت فعال دانش‌آموزان را نیز افزایش می‌دهند.

از سوی دیگر، نقش معلم در مدیریت کلاس از یک ناظر اقتدارگرا به یک تسهیل‌گر یادگیری تغییر یافته است. معلم در این نقش جدید، با ایجاد فضایی امن و احترام‌آمیز، دانش‌آموزان را به مشارکت، پرسشگری و همکاری تشویق می‌کند. این امر مستلزم برخورداری از مهارت‌هایی نظیر ارتباط مؤثر، تنظیم هیجان، مدیریت زمان و طراحی فعالیت‌های تعاملی است (Marzano et al., 2003). بنابراین، مدیریت کلاس به‌عنوان یک شایستگی حرفه‌ای معلمان، ارتباط تنگاتنگی با کیفیت یادگیری دارد.

در بافت آموزشی ایران نیز، چالش‌هایی نظیر تراکم بالای کلاس‌ها، برنامه‌های درسی فشرده و تأکید بر ارزشیابی‌های حافظه‌محور، مدیریت کلاس را با دشواری‌هایی همراه ساخته است. با این حال، پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که معلمانی که از روش‌های نوین مدیریت کلاس استفاده می‌کنند، موفق‌تر از دیگران در ایجاد تعامل و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عمل می‌کنند (سیف، ۱۳۹۹؛ شعبانی، ۱۳۹۷). این یافته‌ها بر ضرورت توجه جدی به آموزش و پژوهش در حوزه مدیریت کلاس تأکید می‌کند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که روش‌های مدیریت کلاس یکی از متغیرهای کلیدی در افزایش تعامل و یادگیری دانش‌آموزان در مدارس محسوب می‌شود. با این حال، همچنان نیاز به پژوهش‌هایی وجود دارد که به‌طور نظام‌مند، ارتباط میان ابعاد مختلف مدیریت کلاس، تعامل کلاسی و پیامدهای یادگیری را بررسی کنند. پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ، تلاش دارد چارچوب نظری منسجمی برای تبیین این روابط ارائه دهد و مدلی مفهومی برای مطالعه تجربی این پدیده پیشنهاد کند.

۲- چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای تلفیقی از نظریه‌های یادگیری اجتماعی، سازنده‌گرایی و نظریه‌های مدیریت کلاس بنا شده است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (Bandura, 1986)، یادگیری در بستر تعاملات اجتماعی و مشاهده رفتار دیگران شکل می‌گیرد. در کلاس درسی که معلم از روش‌های مدیریت تعاملی استفاده می‌کند، فرصت‌های بیشتری برای یادگیری مشاهده‌ای، الگوبرداری و مشارکت فعال فراهم می‌شود.

نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی (Vygotsky, 1978) نیز بر نقش تعامل و گفت‌وگوی اجتماعی در رشد شناختی تأکید دارد. از این منظر، مدیریت کلاس باید به‌گونه‌ای باشد که «منطقه مجاور رشد» دانش‌آموزان فعال شود. راهبردهایی مانند یادگیری مشارکتی، بحث گروهی و پرسشگری هدایت‌شده، همگی نیازمند مدیریت کلاسی منعطف و حمایتی هستند.

در حوزه مدیریت کلاس، مدل‌های متعددی ارائه شده است. مدل مارزانو (Marzano et al., 2003) مدیریت کلاس را شامل سه بعد اصلی می‌داند: ایجاد قوانین و رویه‌ها، ایجاد روابط مثبت و مدیریت رفتارهای نامطلوب. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بعد روابط مثبت بیشترین تأثیر را بر تعامل و انگیزش دانش‌آموزان دارد (Wentzel, 2012).

ایورتسون و واینستاین (Evertson & Weinstein, 2006) نیز مدیریت کلاس را فرایندی پویا تعریف می‌کنند که شامل طراحی محیط فیزیکی، سازمان‌دهی فعالیت‌ها، نظارت بر رفتار و حمایت عاطفی از دانش‌آموزان است. در این رویکرد، مدیریت کلاس مستقیماً با افزایش زمان درگیرشدن دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری مرتبط است.

تعامل کلاسی در پژوهش حاضر به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شود. بر اساس مدل فردریکس و همکاران (Fredricks et al., 2004)، تعامل دارای سه بعد رفتاری، عاطفی و شناختی است. مدیریت کلاس مؤثر می‌تواند هر سه بعد را تقویت کند؛ برای مثال، قوانین روشن تعامل رفتاری را افزایش می‌دهند، روابط حمایتی تعامل عاطفی را تقویت می‌کنند و فعالیت‌های چالش‌برانگیز تعامل شناختی را ارتقا می‌بخشند. در نهایت، یادگیری به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش، هم شامل پیامدهای شناختی (پیشرفت تحصیلی، درک مفهومی) و هم پیامدهای غیرشناختی (انگیزش، نگرش به یادگیری) است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تعامل کلاسی نقش واسطه‌ای مهمی میان مدیریت کلاس و یادگیری ایفا می‌کند (Emmer & Sabornie, 2015).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا به بررسی روابط بین روش‌های مدیریت کلاس، تعامل کلاسی و یادگیری دانش‌آموزان در شرایط واقعی مدارس می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان و دانش‌آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. با توجه به گستردگی جامعه، برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا مدارس به‌صورت تصادفی انتخاب، سپس از هر مدرسه چند کلاس و در نهایت دانش‌آموزان آن کلاس‌ها به‌عنوان نمونه پژوهش برگزیده شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۵، برابر با حدود ۳۰۰ نفر تعیین گردید که این حجم برای تحلیل‌های آماری همبستگی و مدل‌یابی کفایت دارد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل سه پرسشنامه استاندارد بود: پرسشنامه مدیریت کلاس مارزانو (Marzano et al., 2003) برای سنجش روش‌های مدیریت کلاس، پرسشنامه تعامل دانش‌آموزان فردریکس و همکاران (Fredricks et al., 2004) با ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی، و پرسشنامه انگیزش و یادگیری تحصیلی پینتریچ و دی‌گروت (Pintrich & De Groot, 1990). روایی محتوایی ابزارها از طریق نظرخواهی از خبرگان حوزه علوم تربیتی تأیید شد. پایایی ابزارها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید که مقادیر آن برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۸۱ به‌دست آمد و نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه‌هاست. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS بهره گرفته شد تا روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش به‌طور دقیق بررسی شود.

۴- یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه می‌شود. در بخش توصیفی، ویژگی‌های متغیرهای اصلی پژوهش شامل روش‌های مدیریت کلاس، تعامل کلاسی و یادگیری دانش‌آموزان بررسی شده و در بخش استنباطی، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

۴-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیر روش‌های مدیریت کلاس

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
مدیریت پیشگیرانه	۳۰۰	۳۶۲	۰.۵۴	۱۸۰	۴۸۰
روابط معلم-دانش‌آموز	۳۰۰	۳۷۸	۰.۴۹	۲۰۱۰	۴۹۰
سازمان‌دهی محیط و فعالیت‌ها	۳۰۰	۳۵۵	۰.۵۷	۱۷۰	۴۷۰
کل مدیریت کلاس	۳۰۰	۳۶۵	۰.۴۶	۲۰۰۵	۴۸۵

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین کل روش‌های مدیریت کلاس در حد بالاتر از متوسط نظری (۳) قرار دارد که بیانگر وضعیت نسبتاً مطلوب مدیریت کلاس در مدارس مورد بررسی است. در میان مؤلفه‌ها، بیشترین میانگین مربوط به روابط معلم-دانش‌آموز است که حاکی از توجه معلمان به ایجاد روابط حمایتی و مثبت با دانش‌آموزان می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که معلمان نقش مهمی برای ارتباطات انسانی در کلاس درس قائل هستند که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تعامل و یادگیری باشد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیر تعامل کلاسی

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تعامل رفتاری	۳۰۰	۳۵۸	۰.۶۰	۱۶۰	۴۹۰
تعامل عاطفی	۳۰۰	۳۷۱	۰.۵۲	۱۹۰	۴۸۰
تعامل شناختی	۳۰۰	۳۴۵	۰.۶۳	۱۵۰	۴۷۰
کل تعامل کلاسی	۳۰۰	۳۵۸	۰.۵۱	۱۸۰	۴۸۵

بر اساس نتایج جدول ۲، سطح تعامل کلاسی دانش‌آموزان در مجموع در وضعیت مطلوبی قرار دارد. تعامل عاطفی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده علاقه، احساس تعلق و نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به کلاس درس می‌باشد. در مقابل، تعامل شناختی پایین‌ترین میانگین را دارد که می‌تواند بیانگر نیاز به تقویت فعالیت‌های تفکر برانگیز، حل مسئله و مشارکت شناختی عمیق‌تر در کلاس درس باشد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیر یادگیری دانش‌آموزان

مؤلفه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
پیشرفت تحصیلی	۳۰۰	۳۶۰	۰.۵۸	۱.۹۰	۴.۸۰
انگیزش یادگیری	۳۰۰	۳.۷۴	۰.۵۰	۲.۰۰	۴.۹۰
کل یادگیری	۳۰۰	۳۶۷	۰.۴۷	۲.۱۰	۴.۸۵

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که یادگیری دانش‌آموزان در هر دو بعد شناختی و انگیزشی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. میانگین بالاتر انگیزش یادگیری نسبت به پیشرفت تحصیلی بیانگر آن است که دانش‌آموزان از نظر نگرش و تمایل به یادگیری در وضعیت مناسبی قرار دارند، اما این انگیزش لزوماً به همان میزان به پیشرفت تحصیلی منجر نشده است که این موضوع می‌تواند به عوامل آموزشی و روش‌های تدریس مرتبط باشد.

۴-۲- یافته‌های استنباطی پژوهش

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱. مدیریت کلاس	۱		
۲. تعامل کلاسی	۰.۶۲**	۱	
۳. یادگیری دانش‌آموزان	۰.۵۸**	۰.۶۵**	۱

**سطح معناداری: $p < 0.01$

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین روش‌های مدیریت کلاس و تعامل کلاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.62$). همچنین، تعامل کلاسی با یادگیری دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معناداری دارد ($r=0.65$). این یافته‌ها بیانگر آن است که هرچه مدیریت کلاس مؤثرتر باشد، سطح تعامل دانش‌آموزان افزایش یافته و در نتیجه یادگیری آنان نیز بهبود می‌یابد.

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی تعامل کلاسی

متغیر پیش‌بین	β	t	سطح معناداری
مدیریت پیشگیرانه	۰.۳۱	۵.۴۲	۰.۰۰۱
روابط معلم-دانش‌آموز	۰.۳۸	۶.۷۱	۰.۰۰۱
سازمان‌دهی محیط	۰.۲۴	۴.۱۰	۰.۰۰۱
ضریب تعیین (R^2)	۰.۴۹		

نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مدیریت کلاس قادر به تبیین ۴۹ درصد از واریانس تعامل کلاسی هستند. در این میان، روابط معلم-دانش‌آموز بیشترین نقش پیش‌بینی‌کننده را دارد. این یافته اهمیت نقش ارتباطات مثبت معلم با دانش‌آموزان را در افزایش مشارکت و تعامل کلاسی برجسته می‌سازد.

جدول ۶. نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی یادگیری دانش‌آموزان

متغیر پیش‌بین	β	t	سطح معناداری
مدیریت کلاس	۰.۲۹	۴.۹۸	۰.۰۰۱
تعامل کلاسی	۰.۴۱	۷.۱۲	۰.۰۰۱
ضریب تبیین (R^2)	۰.۵۲		

بر اساس نتایج جدول ۶، تعامل کلاسی قوی‌ترین پیش‌بین یادگیری دانش‌آموزان است. این نتایج نقش واسطه‌ای تعامل کلاسی در رابطه بین مدیریت کلاس و یادگیری را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اثر مدیریت کلاس تا حد زیادی از طریق افزایش تعامل دانش‌آموزان اعمال می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی روش‌های مدیریت کلاس و نقش آن در افزایش تعامل و یادگیری دانش‌آموزان در مدارس بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که وضعیت مدیریت کلاس در مدارس مورد بررسی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد و معلمان به‌ویژه در ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان عملکرد قابل قبولی دارند. این یافته با نظریه‌های نوین مدیریت کلاس که بر رویکردهای حمایتی و تعاملی تأکید دارند، همسو است.

یافته‌های توصیفی نشان داد که تعامل عاطفی دانش‌آموزان بالاتر از سایر ابعاد تعامل است، در حالی که تعامل شناختی نیازمند تقویت بیشتری می‌باشد. این امر بیانگر آن است که اگرچه دانش‌آموزان از نظر عاطفی با کلاس ارتباط برقرار می‌کنند، اما فرصت‌های کافی برای درگیری شناختی عمیق در فرایند یادگیری وجود ندارد. بنابراین، صرف ایجاد فضای مثبت کافی نیست و باید فعالیت‌های آموزشی چالش‌برانگیز نیز طراحی شوند.

یافته‌های استنباطی پژوهش حاکی از وجود روابط مثبت و معنادار بین روش‌های مدیریت کلاس، تعامل کلاسی و یادگیری دانش‌آموزان است. نتایج رگرسیون نشان داد که مدیریت کلاس از طریق تعامل کلاسی، نقش مهمی در تبیین یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند. به بیان دیگر، تعامل کلاسی به‌عنوان یک متغیر میانجی، سازوکار اثرگذاری مدیریت کلاس بر یادگیری را توضیح می‌دهد. این نتیجه تأکیدی بر این نکته است که مدیریت کلاس زمانی اثربخش خواهد بود که به افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان منجر شود.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بهبود روش‌های مدیریت کلاس، به‌ویژه تمرکز بر روابط معلم-دانش‌آموز و مدیریت پیشگیرانه، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تعامل و ارتقای یادگیری در مدارس باشد. این یافته‌ها می‌تواند برای برنامه‌ریزان آموزشی، مدیران مدارس و معلمان راهنمای عملی ارزشمندی فراهم آورد.

منابع

- سیف، ع. ع. (۱۳۹۹). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: انتشارات دوران.
- شعبانی، ح. (۱۳۹۷). *مدیریت کلاس درس*. تهران: سمت.
- کریمی، ی. (۱۳۹۶). *نظریه‌های یادگیری*. تهران: ارسباران.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action*. Prentice Hall.
- Doyle, W. (2006). Ecological Approaches to Classroom Management. In C. M. Evertson & C. S. Weinstein (Eds.), *Handbook of classroom management: Research, practice, and contemporary issues* (pp. 97–125). Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Emmer, E. T., & Sabornie, E. J. (2015). Classroom management. *Educational Psychology*.
- Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (2006). *Handbook of classroom management*.
- Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement. *Review of Educational Research*.
- Hattie, J. (2009). Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses related to achievement. London: Routledge.
- Marzano, R. J., Marzano, J. S., & Pickering, D. J. (2003). Classroom management that works.
- Moore, M. G. (1989). Three types of interaction. *American Journal of Distance Education*.
- Pianta, R. C. (1999). Enhancing Relationships between Children and Teachers. Washington DC: American Psychological Association.
- Slavin, R. E. (2019). *Educational Psychology: Theory and Practice*. London: Pearson.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society*. Harvard University Press.
- Wentzel, K. R. (2012). Teacher–student relationships. *Educational Psychology Review*.

